

مطالعه جامعه‌شناختی تأثیر ابعاد احساس امنیت خانوادگی و فردی بر تمایل به خودکشی

تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۵/۱۴

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۱/۲۲

از صفحه ۳۷ تا ۵۸

احمد بخارایی^۱، علی زکی‌زاد^۲

چکیده

امروزه خودکشی از جدی‌ترین و پرخطرترین آسیب‌های اجتماعی است. طی سالیان گذشته، میزان خودکشی و اقدام به خودکشی در میان نوجوانان و جوانان در استان ایلام رشد فزاینده‌ای داشته است؛ بنابراین با توجه به اهمیت موضوع و با هدف کاهش نرخ خودکشی، در این مقاله کوشش شده است رابطه بین ابعاد احساس عدم امنیت و تمایل به خودکشی مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. روش اجرایی این تحقیق، توصیفی - تحلیلی از نوع پیمایشی، ابزار گردآوری داده‌ها، پرسش‌نامه و جامعه آماری، کلیه دانش‌آموزان دبیرستانی سال سوم در شهر ایلام است و حجم نمونه برابر با ۴۰۷ نفر است که با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای طبقه‌بندی شده، انتخاب شده‌اند. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که بین احساس عدم امنیت و تمایل به خودکشی رابطه معنادار و مستقیم وجود دارد و احساس عدم امنیت در یک فرآیند علی بر روی تمایل به خودکشی تأثیر گذاشته است. همچنین، نتایج نشان داد که با بالا رفتن امنیت اقتصادی خانواده‌ها، زمینه برای ضعف امنیت فرهنگی آن‌ها فراهم شده و به اعتماد بنیادین دانش‌آموزان آسیب رسانده است. این شرایط بر روی امنیت اجتماعی دانش‌آموزان نیز تأثیر منفی می‌گذارد؛ به گونه‌ای که از اضطراب وجودی و درونی رنج می‌برند که این فرآیند باعث ایجاد تمایل به خودکشی در میان آن‌ها شده است.

کلید واژه‌ها: احساس امنیت، خانواده، دانش‌آموزان، تمایل به خودکشی، شهر ایلام.

استناد: بخارایی، احمد و زکی‌زاد، علی (پاییز ۱۳۹۷). مطالعه جامعه‌شناختی تأثیر ابعاد احساس امنیت خانوادگی و فردی بر تمایل به خودکشی. فصلنامه پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی. ۱۳(۵۱)، صص ۳۷-۵۸.

۱. استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور مرکز تهران، نویسنده مسئول: Bokharaei_ah@yahoo.com

۲. کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه پیام نور مرکز تهران، Aliahho99@yahoo.com

مقدمه

مسائل اجتماعی جامعه، پدیده‌هایی اجتماعی اعم از شرایط ساختاری و الگوهای کنشی هستند که در مسیر تحولات اجتماعی بر سر راه توسعه، بین وضعیت موجود و وضعیت مطلوب قرار می‌گیرند و مانع تحقق اهداف شده، ارزش‌ها و کمال مطلوب‌ها را تهدید می‌کنند. این مسائل اجتماعی به عنوان پدیده‌هایی نامطلوب، اذهان نخبگان و افکار عمومی مردم را به خود مشغول می‌دارند، به طوری که نوعی وفاق و آمادگی جمعی برای مهار آن‌ها پدید می‌آید و مقامات رسمی کشور را به چاره‌جویی و اقدام در جهت اصلاح و رفع یا پیشگیری از آن‌ها وامی‌دارد (عبداللهی، ۱۳۸۳، ص ۱۱). از میان مسائل و آسیب‌های اجتماعی، خودکشی یکی از معضلات عصر حاضر شناخته شده است که تغییر ساختاری و جوان‌تر شدن افرادی که اقدام به خودکشی می‌کنند نیز بر مشکلات افزوده است. در این شرایط، جامعه نه تنها نیروهای مولد خود را از دست می‌دهد، بلکه باید به دلیل بیماری‌ها، معلولیت‌ها و آسیب‌های روانی - اجتماعی ناشی از این معضل، هزینه‌های نگهداری و ارائه مراقبت‌های خاص را نیز برای سال‌های طولانی بپذیرد. از سوی دیگر، خودکشی به سلامت روان اعضای خانواده قربانیان آسیب می‌زند، تأثیرات منفی بر زندگی اجتماعی به جای می‌گذارد و احتمال وقوع آن را در محیط خانواده و اجتماع افزایش می‌دهد. خودکشی نه تنها یک خسارت شخصی است، بلکه یک خسارت اجتماعی نیز است. صرف‌نظر از ارزیابی‌های شخصی و اخلاقی، ارزش یک شخص را می‌توان بر حسب نقشی که در جامعه ایفا می‌کند نیز ارزیابی کرد. بنابراین، از آنجا که خودکشی متضمن خسارت برای جامعه است، لذا یک معضل اجتماعی محسوب می‌شود. مسئله‌ای که ذهن بسیاری از اندیشمندان را به خود مشغول داشته، این است که چرا در برخی از سرزمین‌ها یا گروه‌های اجتماعی، میزان خودکشی بالاست، در صورتی که دیگران میزان خودکشی کمتری دارند؟ شرایط تاریخی، زمینه را برای افسردگی‌ها و ناهماهنگی‌های فرهنگی بین خانواده‌های ایلامی به واسطه پشت سر گذاشتن جنگ تحمیلی و توسعه نابرابر فراهم کرده است؛ به گونه‌ای که این افسردگی‌ها و ناهماهنگی‌ها را به نسل‌های بعدی خود منتقل کرده‌اند و همچنین سطح پایین ادغام اجتماعی و وجود کنارگذاری در حوزه عمومی (چه به واسطه بازنمایی‌های جانبدارانه و چه به واسطه محدودیت‌های نهادی) در کنار سطوح بالای بی‌اعتمادی و ناامنی اجتماعی، طیف گسترده‌ای از جوانان ایران را خانواده‌گرا ساخته است (ذکائی، ۱۳۸۷، ص ۸۰). براساس گزارش مرکز بهداشت استان ایلام برای نیمه اول سال

۱۳۸۸، اختلافات خانوادگی بیش از ۵۸ درصد علل ذکر شده در اقدام به خودکشی را تشکیل می‌دهد و سن خطر برای خودکشی بین ۱۵ تا ۲۴ سال است که ۶۰/۷ درصد از این خودکشی‌ها در میان رده‌های سنی ۲۵ تا ۴۴ سال اتفاق افتاده است که شامل ۵۲ درصد زن و ۴۸ درصد مرد است^۱. بنابراین، فرآیند خودکشی در استان ایلام، جوان‌گزینی و عمدتاً ریشه در اختلافات خانوادگی دارد که با تغییرات ساختاری در استان ایلام مرتبط است.

هدف این مقاله تحلیل تمایل به خودکشی بر مبنای رویکردی چند علیتی است که عمدتاً خاستگاه آن به خانواده برمی‌گردد و دانش‌آموزان دبیرستانی سال سوم به خاطر دوره جوانی و نوجوانی و موقعیتی که در آن قرار گرفته‌اند، برای تحقیق از اهمیت زیادی برخوردار هستند. همچنین، آنچه در مقاله مد نظر است، مطالعه جامعه‌شناختی تأثیر ابعاد احساس عدم امنیت خانوادگی و فردی در زمینه‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی بر روی تمایل به خودکشی در بین دانش‌آموزان دبیرستانی در رده سنی ۱۷-۱۸ ساله در شهر ایلام است.

در رابطه با موضوع مقاله، تحقیقات مختلفی صورت گرفته است که سعی شده است به مهم‌ترین آن‌ها اشاره شود. های و ملدروم^۲ (۲۰۱۰) در تحقیقی با عنوان «قربانی تبه‌کاری شدن و خودآزاری نوجوانان» که از یک نمونه ۴۲۶ نفری دانش‌آموزان ۱۵ ساله در یک حومه روستایی در منطقه جنوب شرقی ایالات متحده آمریکا استفاده شده بود، به این نتیجه رسیده‌اند که وقتی دو متغیر والدین مقتدر و خودکنترلی بالا حضور داشت، میزان خودآزاری و ایده‌پردازی درباره خودکشی کاهش می‌یافت. اگر بو^۳ و مورتنسن (۲۰۰۲) نیز در یک مطالعه موردی شاهدهی در دانمارک به بررسی عامل‌های خطر خانوادگی، روانی و اقتصادی در خودکشی پرداختند. نتایج تحقیق نشان داد که به‌طور کلی، ۴۹۶ فرد جوان در دانمارک در طی سال‌های (۱۹۷۷-۱۹۸۱) مرتکب خودکشی شده بودند. مردان سه‌وینیم برابر بیشتر از زنان مرتکب خودکشی شده بودند و خطر خودکشی در بین افراد جوان با سابقه خانوادگی خودکشی، سابقه بیماری روانی، مجرد

۱. گزارش سالانه مرکز بهداشت استان ایلام، واحد سلامت روان، وابسته به دانشگاه علوم پزشکی استان ایلام.

2. Hay & Meldrum

3. Agerbo & Mortensen

بودن، بیکار شدن، جدایی از والدین، والدین دارای تحصیلات پایین یا درآمد کم، افزایش بیشتری داشت.

عنبری و بهرامی (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان «بررسی آثار فقر و خشونت بر میزان خودکشی در ایران» که به روش کیفی در روستاهای دهستان افرینه از شهرستان پلدختر لرستان انجام داده بود، نشان دادند که در میان افراد مورد مطالعه، فقر از راه خشونت خانوادگی، بیش‌ترین تأثیر را بر خودکشی گذاشته است. از این رو، خودکشی تابعی از نحوه جدال فرد با نقش‌های اجتماعی محول است. فرد به سبب احساس حقارت در ستیز با نقش‌های اجتماعی، ترجیح می‌دهد به جای نقش، خود را از سر راه بردارد. ایار (۱۳۸۹) نیز در تحقیقی با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر خودکشی در شهرستان دره‌شهر» که یک بررسی مقطعی از نوع تحلیل داده‌های موجود (ثانویه) است، به این نتایج رسیده بود که میزان خودکشی طی این سال‌ها سیر صعودی داشته است و اختلاف خانوادگی، مشکلات اقتصادی و بیماری‌های روانی از علل مهم اقدام به خودکشی بوده‌اند. حدود ۴۸ درصد از اقدام‌کنندگان به خودکشی دارای تحصیلات متوسطه بوده و بین اقدام‌کنندگان به خودکشی و وضعیت تأهل، رابطه به صورت ضعیفی معنادار بوده و میزان خودکشی در بین افراد مجرد، سیر صعودی و منظم‌تری از خود نشان داده است.

پیری و ایار (۱۳۸۹) در تحقیقی با عنوان «رابطه حمایت اجتماعی با افکار خودکشی» که به روش پیمایشی انجام داده بود، به این نتیجه رسیده‌اند که بین حمایت اطلاعاتی و عاطفی با افکار خودکشی رابطه معنادار و منفی وجود دارد؛ به این معنی که فرد هر چه از حمایت اطلاعاتی و عاطفی بیشتری برخوردار باشد، افکار خودکشی کمتری دارد. همچنین، بین حمایت اجتماعی کلی (مادی، اطلاعاتی، عاطفی) با افکار خودکشی، رابطه معنادار و منفی وجود دارد و در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت نوجوانان و جوانان بیشتر در معرض خطر خودکشی هستند؛ خصوصاً وقتی در خانواده‌های پرتنش زندگی می‌کنند و از حمایت خانوادگی برخوردار نیستند. به احتمال زیاد خودکنترلی آن‌ها در مورد خودکشی کاهش می‌یابد.

مقوله احساس امنیت دارای ابعاد مختلفی است. یکی از ابعاد احساس امنیت، امنیت اقتصادی است. نهادهای اقتصادی در همه انواع نظام‌های اجتماعی اهمیت کلیدی دارند.

معمولاً آنچه در حوزه اقتصاد رخ می‌دهد، بر سایر جنبه‌های زندگی اجتماعی تأثیر می‌گذارد (گیدنز^۱، ۱۳۹۴، ص ۹۹۴). عوامل اقتصادی آن دسته از جریان‌ها و فرآیندهایی است که در کسب پایگاه‌ها و نقش‌های اجتماعی مرتبط با پایگاه اقتصادی مؤثرند و تغییر در آن‌ها باعث تزلزل در مبانی رفتار اجتماعی و فردی می‌شود (محمدپور، ۱۳۸۸، صص ۱۵۱-۱۵۲). وبر^۲ اصطلاح پایگاه یا منزلت طبقاتی را برای اشاره به این احتمال نوعی به کار می‌برد که فرد یا گروه واجد وضعیت معینی از برخورداری از کالا، شرایط خارجی زندگی و رضایت‌مندی یا ناکامی می‌شود (زاهدی، ۱۳۸۶، ص ۲۰۱).

بعد دیگر احساس امنیت، امنیت فرهنگی است که در معنای عینی، فقدان تهدید میراث فرهنگی و آثار و ارزش‌های کسب شده است و در معنای ذهنی، فقدان ترس از هجمه‌ها و حمله‌هایی است که ارزش‌ها و آداب و رسوم و اعتقادات و باورها را در معرض استحاله و نابودی قرار می‌دهند (صالحی امیری، ۱۳۹۵، ص ۵۶) و از زمانی ایجاد می‌شود که مردم در شیوه زندگی و آداب و رسوم خود احساس تزلزل و سستی نکنند (صالحی امیری، ص ۵۷). از نظر اینگلهارت، دگرگونی فرهنگی تدریجی است و این دگرگونی، بازتاب دگرگونی در تجربه‌های سازنده‌ای است که به نسل‌های مختلف شکل داده است. دگرگونی اساسی ارزش‌ها، تدریجی و به شکل نامرئی روی می‌دهد و این دگرگونی‌ها در مقیاس وسیع زمانی پدید می‌آید. تقابل ارزش‌های سنتی در مقابل ارزش‌های سکولار-عقلانی و تضاد و تفاوت میان جوامعی که در آن‌ها دین و ارزش‌های دینی با اهمیت است با آن جوامعی که این چنین نیست، نشان می‌دهد این دو نوع ارزش‌ها در جوامع با دو نوع اقتدار همراه است (موحد، مقدس و شوازی، ۱۳۸۶، صص ۳۸-۴۰). بعد سوم احساس امنیت، امنیت اجتماعی است که به محافظت و پاسداری از احساس تعلق یا همان احساس «مایی» نظر دارد. حراست و نگهداری از احساس «مایی»، ریشه در حفظ عوامل اجتماع میان افراد دارد (بیرو^۳، ۱۳۷۰، ص ۱۵۷). بنابراین، امنیت، تولیدی اجتماعی است و در تولید آنچه موضوعیت دارد، روابط اجتماعی است (کاکس^۴، ۱۹۸۷، ص ۱۳).

1. Giddens
2. weber
3. Birou
4. Cox

هرشی معتقد است که پیوند میان فرد و جامعه مهم‌ترین علت هم‌نوایی و عامل اصلی کنترل رفتارهای فرد است و ضعف این پیوند یا نبود آن موجب اصلی کج رفتاری است، بر طبق این رویکرد، «بین تعلق خاطر» افراد به جامعه، «تعهد» آن‌ها به امور متداول و زندگی روزمره هم‌نوا با هنجارهای اجتماعی، «درگیر شدن» آن‌ها در فعالیت‌های مختلف زندگی و «اعتقاد» به نظام هنجاری جامعه از یک سو و هم‌نوایی آن‌ها با هنجارهای اجتماعی از سوی دیگر، رابطه مستقیم و با احتمال کج رفتاری آن‌ها رابطه معکوس وجود دارد (صدیق سروستانی، ۱۳۸۷، صص ۵۲-۵۳). همچنین، کلمن سرمایه اجتماعی را از سایر انواع سرمایه‌های فیزیکی، اقتصادی، انسانی و غیره متمایز می‌کند و برای آن، خصلتی ساختاری و تعاملاتی قائل است که کنشگر با عضویت در گروه و تعامل با سایر کنشگران، با رعایت اصول و قواعد، مورد پذیرش در آن گروه و جلب اعتماد دیگران به اطلاعات مورد نیاز، دست می‌یابد و در فرآیند کنش از حمایت جمعی برخوردار می‌شود (ابوترابی زارچی، ۱۳۸۹، ص ۱۴).

در این مقاله از نظریه دورکیم^۱ در خصوص خودکشی و منشأ شکل‌گیری آن استفاده شده است و برای احساس عدم امنیت، نظریه گیدنز مورد توجه بوده است که ذیل آراء وبر^۲، اینگلهارت^۳، هرشی^۴ و کلمن^۵ تبیین شده است. خودکشی پدیده‌ای اجتماعی است و در ارتباط با وضعیت همبستگی جامعه قرار دارد. هر جامعه‌ای اعضایش را در وضع مساعد یا نامساعدی برای خودکشی قرار می‌دهد و بر باورها، احساسات و اندیشه‌های اعضای خود تأثیر می‌گذارد.

با توجه به روابط انسانی که پیوسته در محیط زیست اجتماعی مانند خانواده، گروه، قوم و کشور سازمان می‌یابد (الپورت^۶، ۱۹۵۴، ص ۳)، دورکیم خودکشی را بر حسب دو متغیر مستقل یکپارچگی و هنجار تشریح و تبیین می‌کند؛ یکپارچگی و هنجار اگر بیش‌تر یا کم‌تر از حد معمولی باشند، باعث خودکشی می‌شوند. از این رو، بالا بودن میزان یکپارچگی (دگرخواهی) و پایین بودن میزان یکپارچگی (خودخواهی) و نیز بالا بودن میزان هنجارها (تقدیرگرایی) و پایین بودن میزان هنجارها (هنجار گسیختگی) باعث

1. Durkheim

2. Weber

3. Inglehart

4. Hirschi

5. Coleman

6. Allport

خودکشی می‌شود. خودخواهی و هنجار گسیختگی علل اصلی خودکشی در دنیای مدرن است (استونز^۱، ۱۳۸۷، ص ۸۱). بنابراین، هرچه میزان ادغام یا پیوند فرد با جامعه‌اش بیشتر باشد، میزان خودکشی در آن جامعه کاهش می‌یابد (گیبز و مارتین^۲، ۱۹۸۲، ص ۱۴۱).

گیدنز، مقیاس و میزان شگفت‌انگیز و نیز شدت دگرگونی اجتماعی را با اشاره به دو شیوهٔ کردار بیان می‌کند. روابط مبتنی بر «بازتابندگی» و برآمده از فناوری که بازارها، نظام‌های بوروکراتیک و رسانه‌های فرهنگی را قادر می‌سازد در سراسر جهان گسترش یافته و سپس در بازگشت، محیط کار، خانه و زندگی روزمرهٔ افراد را در برگیرد. «بازتابندگی» به رویه‌هایی اشاره دارد که به وسیلهٔ مشاهده و تفکر، هدایت و راهنمایی می‌شود (خودآگاهی استدلالی). امروزه، واکنش‌های رایج نسبت به مدرنیته به صورت ناهمخوانی بروز می‌کند؛ گیدنز ریشهٔ این تضاد و ناهمخوانی را بین «اختیار» و «خطرپذیری» می‌داند. بنابراین، مدرنیته مجموعه‌ای از عوارض جانبی خاص خود را ایجاد کرده است. این عوارض نامناسب، تهدیدکنندهٔ نیاز به «امنیت وجودی» به عنوان یک نیاز اساسی در انسان است (بخارایی، ۱۳۹۳، صص ۳۹۹-۴۰۱). گیدنز تأکید می‌کند همهٔ افراد، براساس امور گوناگون، روزمره به چارچوب معینی برای تضمین امنیت وجودی خود دست و پا می‌زنند. مردم، برحسب فرمول عاطفی و رفتارهای خاصی که به صورت جزئی از رفتار و اندیشهٔ هر روزهٔ آن‌ها درمی‌آید، با خطرهای مختلف و بیم و هراس‌های متصور از آن‌ها دست و پنجه نرم می‌کنند (نویدینیا، ۱۳۸۸، ص ۳۸). برای گیدنز دنیای جدید پر از سؤالاتی است که بشر به دنبال یافتن پاسخ به آن‌هاست. این سؤالات در عین وضوح و شفافیت روزافزون، به راحتی قابل پاسخ دادن نیستند؛ بلکه فضای حاکم بر دنیای مدرن، بشر را با وضعیت خطرپذیری مواجه کرده و او را هر روز به سمت پیش‌بینی ناپذیری سوق می‌دهد. از این رو، جواب‌های موجود در ادبیات دنیای مدرن برای سؤال‌های وجودی برای او قابل اعتماد و اطمینان نیستند، بنابراین شرایطی بر او تحمیل شده است که احساس امنیت وجودی در او با خدشه مواجه شده است.

1. Estons

2. Gibbs & Martin

گیدنز اعتماد در دنیای جدید را در قالب اعتماد در نظام‌های انتزاعی می‌آورد. به نظر او، دو نوع قابلیت اعتماد وجود دارد؛ یک نوع قابلیت اعتمادی که در بین افرادی که آشنایی کامل با هم دارند، صورت می‌گیرد که مبنای آن شناخت دقیق و آشنایی طولانی است و افراد صلاحیت لازم را برای قابلیت اعتماد را به صورت تجربی به یکدیگر اثبات کرده‌اند و نوع دوم، قابلیت اعتمادی است که در بین افرادی صورت می‌گیرد که نسبت به هم صورت تجربی شناخت کامل ندارند و به اصطلاح نسبت به هم غریبه هستند، ولی افراد تحت تأثیر نظام‌های تخصصی و کارشناسی مجبورند به دیگران اعتماد کنند. در شرایط مدرنیته، اعتماد به نظام‌های انتزاعی معمولاً در تداوم فعالیت‌های روزانه عجین شده‌اند و تا اندازه زیادی به خاطر مقتضیات ذاتی زندگی روزانه اعمال می‌شوند (بیات، ۱۳۸۸، صص ۱۱۱-۱۱۲). بنابراین، تنها با ورود به جهان اجتماعی دیگران، یعنی کسانی که می‌توان با آن‌ها به کنش متقابل مطمئن پرداخت، شخص می‌تواند از «امنیت هستی شناختی» برخوردار شود. امنیت هستی شناختی، احساس مستمر نسبت به استواری واقعیت است (گیدنز، ۱۹۸۴، به نقل از پارکر، ۱۳۸۶، ص ۹۵). گیدنز عوامل احساس ناامنی را در یک سیستم تحلیلی، نظام‌های کارشناسی، نشانه‌های نمادین، خطر کردن و سؤال‌های وجودی می‌داند. از دید او، تمام گستره مدرنیته از چنین مقوله‌های انتزاعی تشکیل شده است که احساس ناامنی را وارد زندگی ما می‌کنند (بیات، ۱۳۸۸، ص ۱۱۲). موضوع آگاهی در مباحث گیدنز نیز جایگاه محوری دارد، وی جهانی شدن را تداوم مدرنیته می‌داند که در آن نسبت به مدرنیته آگاهی ایجاد می‌شود. به عقیده وی، جهانی شدن را می‌توان به عنوان تشدید روابط اجتماعی جهانی تعریف کرد، همان روابطی که موقعیت‌های مکانی دور از هم را چنان به هم پیوند می‌دهد که هر رویداد محلی تحت تأثیر رویدادهای دیگری که در کیلومترها با آن فاصله دارد، شکل می‌گیرد و برعکس (گیدنز، ۱۳۷۹، ص ۷۷).

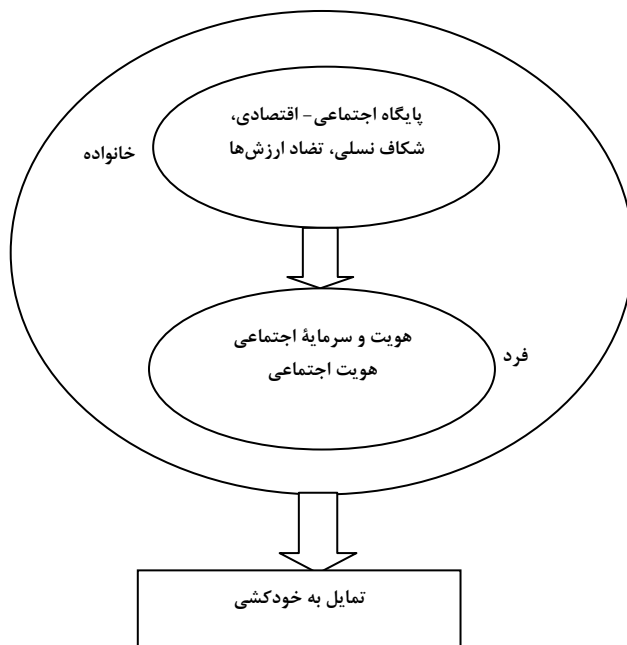
آرچر^۱ عناصر نظریه اجتماعی را از یک مسیر «فشرده زدایی» عبور می‌دهد تا عناصر نسبتاً مستقل واقعیت اجتماعی را از هم مجزا کند (پارکر^۲، ۱۳۸۶، ص ۱۳۶). به عقیده او، نظریه اجتماعی جهت مفهوم‌سازی از تشکیل دم به دم جامعه از خلال (رابطه) دو سویه

1. Archer

2. Parker

ساخت و عاملیت باید زمان را در خود جا دهد. همین دقت تاریخی است که آشکارا از نظریه «ساخت یابی» غایب است (پارکر، ۱۳۸۶، صص ۱۲۷ و ۱۳۷). بنابراین، کشورهای در حال توسعه، از طریق جهانی شدن به تناسب وضعیت توسعه در نقطه‌ای از طیف گسترده مدرنیته قرار گرفته‌اند و مقوله‌های انتزاعی مدرنیته به شکل اولیه و خام به نهاد خانواده در کشورهای در حال توسعه وارد شده است و بافت سنتی خانواده دچار تغییرات کرده است. تأثیرات منفی جهانی شدن خصوصاً در شهر ایلام به واسطه پشت سر نهادن تحولات سریع ساختاری به مراتب از جاهای دیگر کشور بیشتر است و آشفتگی‌های روانی، فرهنگی و اجتماعی بیشتری را به دنبال داشته است. بنابراین، این نوشته، در نظام کارشناسی به جنبه فرهنگ، در نشانه‌های نمادین به جنبه‌های اقتصادی و در خطر کردن و سؤال‌های وجودی، به جنبه اجتماعی مدل احساس ناامنی گیدنز نزدیک می‌شود. در اینجا، امنیت فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی مطرح می‌شود که در امنیت فرهنگی، تضاد ارزش‌ها و شکاف نسلی در خانواده، در امنیت اقتصادی، پایگاه اجتماعی - اقتصادی خانواده و در امنیت اجتماعی، هویت و سرمایه اجتماعی فرد مورد توجه قرار گرفته است. با توجه به سیستم تحلیلی گیدنز، شکاف نسلی و تضاد ارزش‌ها در خانواده و پایگاه اجتماعی - اقتصادی خانواده با اعتماد بنیادین در رابطه است، این فرآیند بر روی هویت و سرمایه اجتماعی فرد تأثیر می‌گذارد که با اضطراب وجودی و در نهایت با احساس ناامنی مرتبط می‌شود.

احساس عدم امنیت



شکل ۱- مدل مفهومی تحقیق

روش‌شناسی تحقیق

روش انجام این تحقیق از نوع پیمایشی و واحد مشاهده فرد و واحد تحلیل، خانواده است. برای گردآوری اطلاعات از ابزار پرسشنامه استفاده شده است. برای سنجش میزان اعتبار و پایایی مقیاس‌های اصلی از روش اعتبار صوری و برای پایایی تحقیق، ۳۰ پرسش‌نامه به عنوان پیش‌آزمون برای به دست آوردن ضریب آلفای کرونباخ انجام شد. ضریب آلفای کرونباخ استاندارد برای متغیرهای مستقل؛ پایگاه اجتماعی- اقتصادی خانواده ۰/۷۷، تضاد ارزش‌ها در خانواده ۰/۷۶، شکاف نسلی در خانواده ۰/۷۵، هویت اجتماعی فرد ۰/۷۵ و سرمایه اجتماعی فرد ۰/۷۵ و برای متغیر وابسته؛ تمایل به خودکشی ۰/۷۵ به دست آمد که ضرایب قابل قبولی هستند. تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها با کاربرد نرم‌افزار SPSS و با استفاده از آمار توصیفی، آزمون گاما و گامای جزئی، آزمون یومن- وایت‌نی و رگرسیون ترتیبی انجام شده است. جامعه آماری تحقیق، دانش‌آموزان سال سوم نظری دبیرستان‌های دولتی شهر ایلام هستند که در سال ۹۵-۹۴ مشغول به تحصیل بودند. شیوه نمونه‌گیری در این تحقیق برای استنباط آماری و تعمیم به جامعه

آماری، نمونه‌گیری تصادفی از نوع خوشه‌ای چند مرحله‌ای طبقه‌بندی شده است. برای تعیین حجم نمونه اعم از دختر و پسر که تعداد آن‌ها ۲۱۷۲ نفر بوده، از طریق فرمول کوکران ۳۲۷ نفر به عنوان نمونه تعیین و در نهایت برای احتیاط بیشتر ۴۰۷ نفر به عنوان نمونه نهایی تعیین شد.

یافته‌های تحقیق

جدول ۱ - توصیف متغیرهای مستقل و وابسته

متغیرها	پایین		متوسط		بالا	
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
احساس عدم امنیت	۲۱	۵/۳	۳۴۳	۸۴/۳	۴۳	۱۰/۶
پایگاه اجتماعی-اقتصادی خانواده	۲۸۹	۷۹/۳	۶۹	۱۸/۹	۷	۱/۹
شکاف نسلی در خانواده	۸۱	۲۲/۱	۲۴۵	۶۶/۸	۴۱	۱۱/۲
تضاد ارزش‌ها در خانواده	۴۰	۱۰/۶	۲۷۷	۷۱/۴	۷۰	۱۸
هویت اجتماعی فرد	۸۵	۲۱	۱۹۵	۴۸/۳	۱۲۴	۳۰/۷
سرمایه اجتماعی فرد	۱۲۵	۳۱/۷	۱۸۷	۴۷/۵	۸۲	۲۰/۸
تمایل به خودکشی (وابسته)	۷۱	۱۸/۵	۲۴۳	۶۳/۳	۷۰	۱۸/۲

بررسی یافته‌های توصیفی تحقیق نشان می‌دهد از نظر پاسخگویان که ۴۶/۴ درصد مرد و ۵۳/۶ درصد زن بودند، میزان احساس عدم امنیت آن‌ها با سطح بالا، ۱۰/۶ درصد، متوسط ۸۴/۳ درصد و پایین ۵/۳ درصد است. سطح پایگاه اجتماعی-اقتصادی ۱/۹ درصد بالا، ۱۸/۹ درصد متوسط و ۷۹/۳ درصد پایین، سطح شکاف نسلی ۱۱/۲ درصد بالا، ۶۶/۸ درصد متوسط و ۲۲/۱ درصد پایین و تضاد ارزش‌ها در خانواده‌های آن‌ها ۱۸ درصد بالا، ۷۱/۴ درصد متوسط و ۱۰/۶ درصد پایین است. همچنین، میزان سطح هویت اجتماعی و سرمایه اجتماعی آن‌ها به ترتیب ۳۰/۷ درصد بالا، ۴۸/۳ درصد متوسط، ۲۱ درصد پایین و ۲۰/۸ درصد بالا، ۴۷/۵ درصد متوسط و ۳۱/۷ درصد پایین است و میزان تمایل به خودکشی در بین آن‌ها، ۱۸/۲ درصد بالا، ۶۳/۳ درصد متوسط و ۱۸/۵ درصد پایین است.

جدول ۲- میزان همبستگی بین متغیرهای مستقل و وابسته (آزمون فرضیه‌ها)

متغیرها	میزان همبستگی (gamma)	سطح معناداری (sig)
احساس عدم امنیت	۰/۴۶	۰/۰۰۰
پایگاه اجتماعی- اقتصادی خانواده	۰/۹۲	۰/۰۰۰
شکاف نسلی در خانواده	۰/۲۳	۰/۰۲
تضاد ارزش‌ها در خانواده	۰/۱	۰/۳
هویت اجتماعی فرد	۰/۰۵	۰/۵
سرمايه اجتماعی فرد	-۰/۰۵	۰/۶

آزمون فرضیه اول: به نظر می‌رسد، بین احساس عدم امنیت و تمایل به خودکشی رابطه وجود دارد.

برابر جدول ۲، خروجی داده‌های این آزمون نشان می‌دهد، ضریب همبستگی به دست آمده برای دو متغیر برابر ۰/۴۶ است و در سطح $P = ۰/۰۰۰$ با در نظر گرفتن ۱ درصد خطا معنادار است؛ یعنی میزان همبستگی بین احساس عدم امنیت و تمایل به خودکشی مثبت و مستقیم و در حد متوسط است. بنابراین، در سطح اطمینان ۹۹ درصد و خطای ۰/۰۱، رابطه معنادار وجود دارد که قابل تعمیم به جامعه آماری است.

آزمون فرضیه دوم: به نظر می‌رسد، بین پایگاه اجتماعی- اقتصادی خانواده و تمایل به خودکشی رابطه وجود دارد.

برابر جدول ۲، خروجی داده‌های این آزمون نشان می‌دهد، ضریب همبستگی به دست آمده برای دو متغیر برابر ۰/۹۲ است و در سطح $P = ۰/۰۰۰$ با در نظر گرفتن ۱ درصد خطا معنادار است؛ یعنی میزان همبستگی بین پایگاه اجتماعی- اقتصادی خانواده و تمایل به خودکشی مثبت و مستقیم و قوی است و با کنترل متغیرهای مستقل دیگر، رابطه اولیه تکرار شد. پس رابطه اولیه واقعی و پایدار است، بنابراین، در سطح اطمینان ۹۹ درصد و خطای ۰/۰۱، رابطه معنادار وجود دارد که قابل تعمیم به جامعه آماری است. آزمون فرضیه سوم: به نظر می‌رسد، بین شکاف نسلی در خانواده و تمایل به خودکشی رابطه وجود دارد.

برابر جدول ۲، خروجی داده‌های این آزمون نشان می‌دهد، ضریب همبستگی به دست آمده برای دو متغیر برابر ۰/۲۳ و در سطح $P = ۰/۰۲$ با در نظر گرفتن ۵ درصد خطا معنادار است؛ یعنی میزان همبستگی بین شکاف نسلی در خانواده و تمایل به خودکشی مثبت و مستقیم و ضعیف است، اما با کنترل متغیر جنس میزان همبستگی برابر ۰/۳۱ است؛ یعنی متغیر آزمون جنس مذکر یک متغیر مداخله‌گر جزئی از نوع تخصیصی است.

همچنین، با کنترل متغیر تضاد ارزش‌ها در خانواده، میزان همبستگی برابر $0/44$ است؛ یعنی متغیر آزمون تضاد ارزش‌ها در خانواده یک متغیر مداخله‌گر جزئی است. بنابراین، بین متغیر شکاف نسلی در خانواده و تمایل به خودکشی در سطح اطمینان 95% و خطای $0/05$ رابطه معنادار وجود دارد که قابل تعمیم به جامعه آماری است. آزمون فرضیه چهارم: به نظر می‌رسد، بین تضاد ارزش‌ها در خانواده و تمایل به خودکشی رابطه وجود دارد.

برابر جدول ۲، خروجی داده‌های این آزمون نشان می‌دهد، ضریب همبستگی به دست آمده برای دو متغیر برابر $0/1$ است و در سطح $P = 0/3$ با در نظر گرفتن 5% درصد خطا معنادار نیست؛ یعنی میزان همبستگی بین تضاد ارزش‌ها در خانواده و تمایل به خودکشی مثبت و مستقیم و بسیار ضعیف است. اما با کنترل متغیر شکاف نسلی در خانواده میزان همبستگی برابر $0/32$ است؛ یعنی متغیر آزمون تضاد ارزش‌ها در خانواده یک متغیر مداخله‌گر است. همچنین، با کنترل متغیر هویت اجتماعی فرد، میزان همبستگی برابر $0/41$ است؛ یعنی متغیر آزمون هویت اجتماعی فرد یک متغیر مداخله‌گر است و با کنترل متغیر سرمایه اجتماعی کم فرد، میزان همبستگی برابر $0/46$ است؛ یعنی متغیر آزمون سرمایه اجتماعی کم فرد یک متغیر مداخله‌گر از نوع تخصیصی است. بنابراین، بین متغیر تضاد ارزش‌ها در خانواده و تمایل به خودکشی در سطح اطمینان 95% درصد و خطای $0/05$ رابطه معنادار وجود ندارد که قابل تعمیم به جامعه آماری نیست و حاصل خطای نمونه‌گیری است.

آزمون فرضیه پنجم: به نظر می‌رسد، بین هویت اجتماعی فرد و تمایل به خودکشی رابطه وجود دارد.

برابر جدول ۲، خروجی داده‌های این آزمون نشان می‌دهد، ضریب همبستگی به دست آمده برای دو متغیر برابر $0/03$ است و در سطح $P = 0/5$ با در نظر گرفتن 5% درصد خطا معنادار نیست؛ یعنی میزان همبستگی بین هویت اجتماعی فرد و تمایل به خودکشی رابطه مثبت و مستقیم و بسیار ضعیف است، اما با کنترل متغیر سرمایه اجتماعی کم فرد میزان همبستگی برابر $0/28$ است؛ یعنی متغیر آزمون سرمایه اجتماعی کم فرد از نوع تخصیصی و از نظر زمانی قبل از متغیر مستقل و وابسته قرار می‌گیرد. بنابراین، بین متغیر هویت اجتماعی فرد و تمایل به خودکشی در سطح اطمینان 95% درصد و خطای

۰/۰۵ رابطه معنادار وجود ندارد و قابل تعمیم به جامعه آماری نیست و حاصل خطای نمونه‌گیری است.

آزمون فرضیه ششم: به نظر می‌رسد، بین سرمایه اجتماعی فرد و تمایل به خودکشی رابطه وجود دارد.

برابر جدول ۲، خروجی داده‌های این آزمون نشان می‌دهد، ضریب همبستگی به دست آمده برای دو متغیر برابر ۰/۰۵- است و در سطح $P = ۰/۰۶$ با در نظر گرفتن ۵ درصد خطا معنادار نیست؛ یعنی میزان همبستگی بین سرمایه اجتماعی فرد و تمایل به خودکشی رابطه منفی و مستقیم و بسیار ضعیف است، اما با کنترل متغیر پایگاه اجتماعی- اقتصادی خانواده، میزان همبستگی برابر ۱/۰۰ است؛ یعنی متغیر آزمون پایگاه اجتماعی- اقتصادی بالای خانواده از نوع تخصیصی و از نظر زمانی قبل از متغیر مستقل و وابسته قرار می‌گیرد. بنابراین، بین متغیر سرمایه اجتماعی فرد و تمایل به خودکشی در سطح اطمینان ۹۵ درصد و خطای ۰/۰۵ رابطه معنادار وجود ندارد و قابل تعمیم به جامعه آماری نیست و حاصل خطای نمونه‌گیری است.

جدول ۳- تفاوت مردان و زنان در مورد تمایل به خودکشی

رتبه میانگین	تعداد	جنس
۱۹۹/۸	۱۸۰	مرد
۱۸۵/۹	۲۰۴	زن
-	۳۸۴	جمع کل

جدول ۴- آزمون یومن- وایت نی^۱ و آزمون فرضیه

۱۷۰۳۲/۵	یومن- وایت نی
-۱/۴۳	Z
۰/۱۵	سطح معناداری دو دامنه

آزمون فرضیه هفتم: به نظر می‌رسد، میزان تمایل به خودکشی در بین مردان و زنان متفاوت است.

برابر جداول ۳ و ۴، خروجی داده‌های این آزمون نشان می‌دهد، میزان تفاوت به دست آمده برای دو متغیر برابر ۱۷۰۳۲/۵ است و در سطح $P = ۰/۱۵$ با در نظر گرفتن ۵ درصد خطا معنادار نیست؛ یعنی میزان تفاوت بین زنان و مردان در تمایل به خودکشی معنادار

1.U Mann whithey test

نیست، اما چون رتبه میانگین گروه اول یعنی مردان بیش از رتبه میانگین زنان و مقدار $Z = -1/43$ است، پس تمایل به خودکشی در بین مردان بیشتر است. بنابراین، بین متغیر تفاوت زنان و مردان و تمایل به خودکشی در سطح اطمینان ۹۵ درصد و خطای $0/05$ رابطه معنادار وجود ندارد و قابل تعمیم به جامعه آماری نیست و حاصل خطای نمونه‌گیری است. در نتیجه، فرض H_0 رد نشد.

جدول ۵- مدل مناسب داده‌ها

مدل	احتمال -2Log	کای‌سکوئر	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
صفر	۳۵۱/۳۰	-	-	-
نهایی	۲۳۵/۵۳	۱۱۵/۷۷	۸	۰/۰۰۰

تابع پیوند: مکمل^۱ (Log-Log)

جدول نتایج آزمون، نسبت احتمال مدل را نشان می‌دهد. این آزمون در واقع آزمون نسبت احتمال مدل (نهایی) به مدلی (صفر) است که ضرایب تمامی پارامترها در آن، برابر با عدد صفر است. به عبارتی، در این جدول، دو مدل با عناوین مدل صفر و مدل نهایی آمده است. آماره کای اسکوئر در این جدول نیز عبارت از تفاضل بین نسبت درست نمایی دو مدل صفر و نهایی است (صفری شالی و گنابی، ۱۳۸۸، ص ۷۵۸). برای تفسیر نتایج جدول ۵، اگر سطح معناداری مقدار کای اسکوئر کوچک‌تر از $0/05$ باشد، آنگاه مدل نهایی، مدل صفر را منتفی می‌کند. بنابراین، مدل رگرسیونی یک مدل مناسب است و متغیرهای مستقل به خوبی قادرند تغییرات متغیر وابسته را تبیین کنند، چون مقدار کای اسکوئر در سطح خطای کوچک‌تر $0/05$ است و می‌توان نتیجه گرفت، مدل نهایی توانسته است مدل صفر را منتفی کند.

جدول ۶- آزمون نکوئی برآزش مدل

پیرسون	کای‌سکوئر	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
	۱۶۳/۸۸	۱۶۸	۰/۵۷
انحراف	۱۴۹/۰۳	۱۶۸	۰/۸۵

تابع پیوند: مکمل (Log-Log)

۱. یکی از انواع تابع پیوند در مدل رگرسیونی ترتیبی است که در نرم‌افزار SPSS تعبیه شده است (Complementary).

2. Intercept only

جدول ۶، به درک این نکته کمک می‌کند که چقدر نسبت درست نمایی برای به دست آوردن یک مدل خوب، مناسب است. این جدول، نتیجه دو آماره کای اسکوئر پیرسون و کای اسکوئر انحراف را نشان می‌دهد. این آماره‌ها به آزمون این موضوع می‌پردازند که آیا داده‌های مشاهده شده با مدل برازش شده ناهمسانند یا خیر. بنابراین، این آماره‌ها ماهیتاً منفی هستند؛ یعنی اگر سطح معنی داری این دو آماره کوچک‌تر از $0/05$ باشد، در آن صورت مدل رگرسیونی مدل مناسبی نیست؛ اما اگر مقادیر این دو آماره بزرگ‌تر از $0/05$ باشند، در آن صورت نتیجه می‌گیریم که مقادیر متغیر وابسته و متغیرهای مستقل تناسب خوبی باهم دارند (صفری شالی و گتایی، ۱۳۸۸، ص ۷۵۹). بنابراین، متغیر وابسته و متغیرهای مستقل تناسب خوبی باهم دارند و مدل خوبی به دست می‌دهد، چون سطح معناداری این آماره بزرگ‌تر از $0/05$ است.

جدول ۷- ضریب تعیین پزودو^۱

۰/۳۰	کانکس و نل ^۲
۰/۳۷	نیجل کرک ^۳
۰/۲۱	مک نادن ^۴

تابع پیوند: مکمل (Log-Log)

جدول ۷، مقادیر آماره‌های ضریب تعیین پزودو شامل سه ضریب کاکس و نل، نیجل کرک و مک‌نادن را نشان می‌دهد که تقریب‌های ضریب تعیین در رگرسیون خطی هستند و در اینجا از آن‌ها استفاده می‌شود. مقادیر این آماره‌های ضریب تعیین پزودو بین (۰) تا (۱) نوسان دارد و هر چه مقدار این آماره‌ها به (۱) نزدیک باشد، نشان می‌دهد که نقش متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته زیاد است و برعکس، مقادیر پایین این آزمون، دلالت بر نقش ضعیف و کم متغیرها در این امر دارد (صفری شالی و گتایی، ۱۳۸۸، ص ۷۶۰). بنابراین، تقریباً بین ۲۱ تا ۳۷ درصد واریانس تمایل به خودکشی توسط متغیرهای مستقل تبیین شده است.

1. Pseudo R - Square
2. Cox and Snell
3. Nagel Kerk
4. Mc fadden

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش، تمایل به خودکشی در سه طبقه اجتماعی سنجیده شده و به تبیین علت اینکه عده‌ای به رغم داشتن مشکلات فراوان اظهار می‌کنند که نسبتاً تمایل به خودکشی دارند، ولی عده‌ای دیگر به رغم داشتن مشکلات کم، اظهار می‌کنند تمایل بیشتری به خودکشی دارند، پرداخته شده است. بنابراین، دانش آموزان دبیرستانی که از وضعیت اقتصادی متوسط و بالایی برخوردار هستند، در فرآیند چگونگی زندگی، یعنی تداوم و چپستی بازاندیشانه آن، دچار اضطراب وجودی شده‌اند و برای آن‌ها ناخودآگاهانه احساس بن‌بست در زندگی تداعی شده است. به بیان دیگر، معرفت ضمنی که ریشه در دوران کودکی و منبع احساس امنیت وجودی آن‌هاست، در چپستی عادت (پراکسیس^۱) دانش‌آموزان، بازاندیشی شده و نوعی شک به جهان زیست خود، پیدا کرده‌اند که آن را در حالت عادی مسلم فرض می‌کردند. یکی از پیامدهای ممکن این وضعیت پیدایش تمایل به خودکشی است. در واقع، ضعف امنیت فرهنگی (تضاد ارزش‌ها و شکاف نسلی) خانواده‌های ایلامی با آسیب رساندن به اعتماد بنیادین دانش‌آموزان، زمینه فرسایش اختلال امنیت اجتماعی (هویت و سرمایه اجتماعی) آن‌ها را فراهم کرده است که با خود اضطراب وجودی را احساس می‌کنند. در نتیجه، این سیستم فرهنگی نتوانسته به پیچ‌وخم‌های زندگی خانواده‌ها نظم دهد و کشمکش‌ها را کنترل کند و این شرایط در ناخودآگاه دانش‌آموزان پنهان و مانع شکل‌گیری یک خود منسجم در آن‌ها شده است؛ به نحوی که نمی‌توانند نقش‌های گوناگون خود را درک کنند تا بتوانند با آن‌ها کنار بیایند. در واقع، با بهبود یافتن امنیت اقتصادی (پایگاه اجتماعی-اقتصادی) خانواده‌ها، شرایط فرهنگی آن‌ها بغرنج‌تر شده است، چون امکان دستیابی به زمینه‌های جدید فرهنگی برای خانواده‌ها فراهم شده است که با فرهنگ سنتی آن‌ها در تضاد است. به تعبیر دیگر، تعامل پایگاه اجتماعی-اقتصادی و فرهنگی خانواده‌های ایلامی به عنوان دو عامل بنیادی موجب شده‌اند که دانش‌آموزان در صحنه اجتماعی دچار اضطراب وجودی و عدم اعتماد بنیادین شوند که به شکل‌گیری هویت و سرمایه اجتماعی آن‌ها آسیب رسانده‌است، آن‌ها این شرایط را در پهنهٔ زمان و مکان با خود احساس می‌کنند که در آن یک فشار روانی و اضطراب وجودی نهفته است، اضطرابی که دائماً در کارهای آن‌ها ایجاد شک می‌کند و

1. Praxis

آن‌ها را زیر نظارت و کنترل خود می‌گیرد.

احتمالاً کل این فرآیند به احساس امنیت دانش‌آموزان آسیب وارد کرده و زمینه را برای تمایل به خودکشی در بین آن‌ها فراهم کرده است. بنابراین، در یک نگاه تاریخی، قواعد سنتی و دینی رفتار و اخلاق خانواده‌های ایلامی به خاطر پشت سر نهادن تحولاتی مثل جنگ، مهاجرت، شهرنشینی زودرس و آمیختگی فرهنگی زندگی شهری، روستایی و حتی عشایری سست شده است و دنیای مدرنیته چه از طریق رسانه‌ها و چه از طریق متون آموزشی و داستانی، نوجوانان و جوانان را در مورد سنت‌ها و رسوم خانوادگی دچار تردید بیشتر کرده است و در یک سرگردانی هنجاری و ارزشی قرار داده است. این شرایط وقتی با پیشرفت اقتصادی خانواده گره می‌خورد، اثر آن را بیشتر می‌کند و با توجه به عمق عاطفی خانواده، این سرگردانی هنجاری و ارزشی، پیچیده‌تر و اثرگذاری آن عمیق‌تر شده است. پیامد این روند، اجتماعی شدن ناقص اعضای خانواده است که موجب شیوع رفتارهای متضاد، فشارهای روانی، تحریک‌پذیری و بروز واکنش‌های عاطفی شدید شده است. در واقع، فشار از بیرون و درون زمینه را برای احساس ناامنی و تمایل به خودکشی در بین دانش‌آموزان دبیرستانی فراهم کرده است. با توجه به پیشینه تحقیق، یافته‌های تحقیق با تحقیقات های و ملدروم (۲۰۱۰)، اگر بو و مورتسن (۲۰۰۲) و پیری و ایار (۱۳۸۹) هماهنگ است، اما در تأثیر مشکلات اقتصادی بر روی خودکشی با تحقیقات ایار (۱۳۸۹) و عنبری و بهرامی (۱۳۸۹) اختلاف نظر دارد.

تحقیق حاضر، فقر را عامل تأثیرگذار بر روی خشونت خانوادگی یا اختلافات خانوادگی نمی‌داند که منجر به خودکشی می‌شود، اما در انتها با توجه به اینگونه از تحقیقات می‌توان این سؤال را مطرح کرد که چرا تمایل به خودکشی در طبقه بالا و متوسط وسعت بیشتری دارد، ولی ظهور خودکشی در آن‌ها کمتر است، اما برعکس در طبقه پایین تمایل به خودکشی وسعت کمتری دارد، اما ظهور آن بیشتر است. برای پاسخ به این سؤال می‌توان فرضیه‌ای با این عنوان مطرح کرد؛ افرادی که پایگاه اقتصادی-اجتماعی پایینی دارند، شاید وقتی مرجع ذهنی آن‌ها به سمت ارزش‌ها و هنجارهای طبقه متوسط و بالا تغییر می‌کند، در چنین حالتی در آن‌ها تمایل به خودکشی افزایش می‌یابد و به خاطر عدم امکانات مالی و پایگاه اجتماعی نامناسب، این فشار روانی را نمی‌توانند به جاهای دیگر منتقل کنند، در نتیجه اقدام به خودکشی می‌کنند. البته، بررسی این فرضیه، نیازمند پژوهش دیگری است.

پیشنهادها

- پیشنهاد می‌شود نیروی انتظامی، ارتباط و تعامل خود را با آموزش و پرورش و خانواده‌های دانش‌آموزان دبیرستانی در جهت آگاه‌سازی و هشدار در خصوص فرسایش و اختلال در امنیت فرهنگی و اجتماعی دانش‌آموزان با افزایش پایگاه اقتصادی - اجتماعی خانواده‌ها و تمایل به خودکشی در بین دانش‌آموزان مستحکم‌تر کند.
- همان‌طور که نتایج تحقیق نشان می‌دهد، عدم تعامل سازنده بین امنیت فرهنگی و اقتصادی خانواده‌ها، بر روی امنیت اجتماعی دانش‌آموزان تأثیر منفی می‌گذارد، لذا پیشنهاد می‌شود نیروی انتظامی با مشارکت سازمان‌ها و نهادهای فرهنگی دیگر، در ایجاد فضاهای مناسب اجتماعی در قالب برگزاری مراسم، مسابقات، اردوهای تفریحی و جشنواره‌ها در تقویت سنت‌های مذهبی، ملی و محلی دانش‌آموزان و خانواده‌های آن‌ها اقدام کند که زمینه وحدت روانی و عاطفی بیشتر در بین والدین و دانش‌آموزان را در جهت کاهش تمایل به خودکشی فراهم کنند.
- پیشنهاد می‌شود با پشتیبانی نیروی انتظامی، سازمان‌ها و نهادهای مرتبط، جهت مدیریت کاهش نرخ خودکشی، افراد مستعد در تمایل به خودکشی در شهر ایلام از طریق دبیرستان‌های دولتی و غیردولتی شناسایی شوند و مراکزی جهت باز جامعه‌پذیری آن‌ها در قالب گروه‌های تفاهم متقابل با کمک مشاوره‌های جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی، روان‌شناسی، مذهبی و روان‌پزشکی تأسیس شود.

منابع

منابع فارسی

- ابوترابی زارچی، فاطمه (۱۳۸۹). سرمایه اجتماعی و خودکشی. مجموعه مقالات همایش ملی خودکشی (علل، پیامدها و راهکارها). تهران: انتشارات جامعه‌شناسان (چاپ اول).
- استونز، راب (۱۳۸۷). متفکران بزرگ جامعه‌شناسی (مهرداد میردامادی، مترجم). تهران: نشر مرکز (چاپ پنجم).
- ایار، علی (۱۳۸۹). بررسی عوامل مؤثر بر خودکشی در شهرستان دره‌شهر. مجموعه مقالات همایش ملی خودکشی (علل، پیامدها و راهکارها)، صص ۴۹-۵۹. تهران: انتشارات

- جامعه‌شناسان (چاپ اول).
- بیرو، آلن (۱۳۷۰). *فرهنگ علوم اجتماعی* (باقر ساروخانی، مترجم). تهران: انتشارات کیهان (چاپ دوم).
- بخارایی، احمد (۱۳۹۳). *جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی در ایران*. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان (چاپ سوم).
- بیات، بهرام (۱۳۸۸). *جامعه‌شناسی احساس امنیت*. تهران: انتشارات امیرکبیر (چاپ اول).
- پارکر، جان (۱۳۸۶). *ساخت یابی* (حسین قاضیان، مترجم). تهران: نشرنی (چاپ اول).
- پیری، ولی و ایار، علی (۱۳۸۹). بررسی رابطه حمایت اجتماعی با افکار خودکشی در بین دانشجویان (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد دره‌شهر، استان ایلام). *مجموعه مقالات همایش ملی خودکشی (علل، پیامدها و راهکارها)*، صص ۱۰۹-۱۱۹. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان (چاپ اول).
- ذکائی، سعید (۱۳۸۷). *جامعه‌شناسی جوانان ایران*. تهران: انتشارات آگاه (چاپ دوم).
- زاهدی، محمدجواد (۱۳۸۶). *توسعه و نابرابری*. تهران: انتشارات مازیار (چاپ چهارم).
- عبدالهی، محمد (۱۳۸۳). طرح مسائل اجتماعی در ایران. *مجموعه مقالات همایش ملی خودکشی (اهداف و ضرورت‌ها)*. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور (چاپ اول).
- عنبري، موسی و اردشیر بهرامی (۱۳۸۹). بررسی آثار فقر و خشونت بر میزان خودکشی در ایران (مورد مطالعه: روستاهای شهرستان پلدختر). *مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران*. ۱(۲)، صص ۱-۳۰. بازیابی از:
<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/912027>
- صالحی امیری، سیدرضا (۱۳۹۵). *مفاهیم و نظریه‌های فرهنگی*. تهران: انتشارات ققنوس (چاپ هفتم).
- صدیق سروستانی، رحمت‌اله (۱۳۸۷). *آسیب‌شناسی اجتماعی* (جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی). تهران: انتشارات سمت (چاپ چهارم).
- صفری‌شالی، رضا و کرم حبیب‌پور گتایی (۱۳۸۸). *راهنمای جامع کاربرد SPSS در تحقیقات پیمایشی*. تهران: انتشارات متفکران (چاپ دوم).
- گیدنز، آنتونی (۱۳۹۴). *جامعه‌شناسی* (با همکاری کارن بردسال) (حسن چاوشیان،

مترجم). تهران: نشر نی (چاپ دهم).

- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۹). پیامدهای مدرنیته (محسن ثلاثی، مترجم). تهران: نشر نی (چاپ اول).

- محمدپور، احمد (۱۳۸۸). خودکشی؛ پدیده اجتماعی و چند بعدی. مجموعه مقالات آسیب‌های اجتماعی/ایران (انجمن جامعه‌شناسی ایران). تهران: انتشارات آگاه (چاپ سوم).

- موحد، مجید؛ مقدس، علی اصغر و عباسی شوازی، محمدتقی (۱۳۸۶). جوانان، خانواده و جامعه‌پذیری؛ نقش خانواده در نگرش دانشجویان نسبت به معاشرت دختر و پسر قبل از ازدواج. فصلنامه مطالعات جوانان. ۳ (۸ و ۹)، صص ۳۳-۵۴. بازیابی از:

<https://www.noormags.ir/view/fa/search?>

- نویدنیا، منیژه (۱۳۸۸). امنیت اجتماعی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی (چاپ اول).

منابع انگلیسی

- Allport, G.W (1954). *the historical background of modern social psychology*. in Gardner lindzey, (Ed), Cambridge, mass, Addison- Wesley publishing company.

- Cox, robert (1987). *Production, power and world order*. New York, Columbia university press.

- Gibbs, J. and martin, w (1982). *Status integration and suicide*. Eugene, university of overgon press.

- Hay, carter and meldrum, Ryan (2010). Bullying Victimization and adolescent self- harm: testing hypothesis from general strain theory, *Journal of youth and Adolescence*. American, Vol. 39:PP 446-459. Retrieved from: [DOI: 10.1007/s10964-009-9502-0](https://doi.org/10.1007/s10964-009-9502-0)

- Agerbo, E. Nordentoft, M. and Mortensen, P. (2002). familial/ psychiatric and socioeconomic risk factors for suicide in young people, ested- Case-control study, *British Medical Journal*. London Vol, 34: PP50-69. Retrieved from: <https://www.researchgate.net/publication/11264874>

